

سخنرانی علمی



مقدمه

مفهوم جامعه مدنی در کشور ما ارتباط وثیقی با مقوله مشارکت مردمی پیدا کرده است به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد، مسأله مشارکت محتوای جامعه مدنی را تحت‌الشعاع خود قرار داده باشد. اگرچه جامعه مدنی مفهومی وسیع‌تر از آن چیزی می‌باشد که در بالا به آن اشاره شد ولیکن نباید فراموش کرد که مشارکت یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های جامعه مدنی را تشکیل می‌دهد. بر همین اساس فصلنامه مطالعات راهبردی موضوع مشارکت مردمی در جامعه مدنی را در دستور کار خود قرار داده و سعی در انعکاس نظرات مطرح در این زمینه نموده است. آنچه در ادامه می‌آید متن سخنرانی جناب آقای جعفر عسگرخانی و آقای محمدصادق کوشکی در پژوهشکده مطالعات راهبردی می‌باشد که به نحوی در ارتباط با موضوع فوق است. امید آن که با آرایه نظرات گوناگون، ابعاد مختلف مسأله بیش از پیش برای ما آشکار گردد.

مشارکت اقتصادی مردم و تحقق جامعه مدنی از طریق توسعه بخش تعاون

جعفر عسگرخانی*

کثرت‌گرایی، مشارکت‌پذیری، همزیستی، تأمین منافع ملی و بسط عدالت اجتماعی از جمله مهمترین ویژگیهای جامعه مدنی است که این اصول در تفکر تعاونی نیز، که موضوع مقاله حاضر است، مورد تأکید می‌باشد.



اصول، ویژگیها و تحولات تعاون در جهان و ایران

در این جا لازم می‌دانم از اصول حاکم بر طرز تفکر تعاونی در سطح بین‌المللی و وضعیت کشور خودمان به تفکیک سخن بگویم:

اول - اصول بین‌المللی تعاون

تعاون اجتماع داوطلبانه افرادی است که به منظور تأمین نیازها و نیل به اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از طریق تأسیس، اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه‌ای با مالکیت مشاع با همدیگر به توافق رسیده‌اند. اصول مشروحه زیر به منزله

* مشاور معاونت تحقیقات و زارت تعاون

مفهوم ماهیت جامعه مدنی

جامعه مدنی در اندیشه سیاسی دارای پیشینه طولانی می‌باشد که ضرورتی در بیان مجدد آن نیست. به‌طور کلی جامعه مدنی یعنی ایجاد نظم و قانون در روابط افراد جامعه برای برقراری صلح و آرامش و نیز حفظ و تأمین آزادیهای فردی و استقلال شخصی افراد که همه بر عهده دولت است و در واقع دولت نیز جزئی از جامعه مدنی است. خواسته‌های گوناگون افراد در دورانهای مختلف، کالدهای جامعه مدنی را به وجود می‌آوردند که عبارتند از: کالبد نظم، کالبد سیاسی، کالبد اقتصادی، کالبد حقوق اجتماعی و آزادیهای فردی. طبعاً براساس این کالدها جامعه مدنی حاصل می‌شود که ویژگیهای عمده آن عبارتند از: قانون‌مداری، تفکیک قوا، مشارکت‌پذیری، کثرت‌گرایی، سازمان‌یافتگی و اطلاعات و ارتباطات. همان‌طور که ملاحظه می‌شود

آورد که ظهور سندیکا‌های کارگری، احزاب سیاسی و شکل‌گیری و توسعه نهضت تعاون از جمله تفکرات و حرکات مهمی بودند که در پاسخ به نارساییهای نشأت گرفته از تحول نظام سرمایه‌داری به تدریج به وجود آمد و در نیمه اول قرن ۱۹ به اوج رسید.

اولین شرکت تعاونی در جهان را، در سال ۱۸۴۴ در شهر راجدیل انگلستان و ۲۸ کارگر بافنده به منظور تأمین مایحتاج ضروری خود تأسیس کردند و مزایا و یافته‌های این نهاد تعاونی از یک طرف و شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی اروپا از طرف دیگر، باعث اشاعه و توسعه شرکت‌های تعاونی، ابتدا در اروپا و آمریکا و سپس در سایر قاره‌های جهان شد، به طوری که در سال ۱۹۹۸ بیش از ۷۲۵ میلیون نفر از جمعیت جهان در قالب ۷۴۹ هزار شرکت تعاونی، ۲۳۲ سازمان از ۹۳ کشور جهان در پوشش اتحادیه بین‌المللی تعاون که مهمترین سازمان بین‌المللی برای شکل‌دهی تعاونی‌های جهان می‌باشند قرار داشتند.

ویژگیها، مزیتها و اصول متعالی تعاون باعث شده است، نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه یافته و صنعتی نیز تعاون از تحولات چشمگیری برخوردار شود به طوری که در کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا بیش از ۱۵۶ میلیون نفر و در ژاپن بیش از ۳۲ میلیون

هویت و مشخصه‌های اصلی فعالیت تعاون در جهان در نظر آورده شده است: اصل اول - عضویت اختیاری و آزاد افراد در تعاونیها بدون تبعیضات جنسی، نژادی، اجتماعی، سیاسی یا مذهبی.

اصل دوم - کنترل دموکراتیک تعاونیها و فعالیت‌های آنها به وسیله اعضای تعاونیها؛ به گونه‌ای که در تعاونیها هر عضو از یک رأی برخوردار باشد.

اصل سوم - مشارکت اقتصادی اعضای تعاونی به طور منصفانه برای تأمین سرمایه.

اصل چهارم - خودگردانی و عدم وابستگی.

اصل پنجم - آموزش، کارورزی و اطلاع‌رسانی.

اصل ششم - همکاری بین تعاونیها در قالب سازمانهای محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای توسعه نهضت تعاون.

اصل هفتم - توجه به منافع جامعه برای تحقق توسعه پایدار.

دوم - تحولات تعاون در جهان و ایران
گرچه گسترش انقلاب صنعتی در اروپا باعث استحکام نظام سرمایه‌داری و افزایش درآمدهای صاحبان سرمایه و صنعت شد اما توزیع منابع و درآمدها در جامعه به صورت منطقی و عادلانه صورت نگرفت و نارساییهایی را پدید

با این که در اصل ۴۴ قانون اساسی بخش تعاون دومین بخش اقتصاد کشور قلمداد شده است و توسعه این بخش مورد تأکید مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است، با این حال سهم این بخش در کل اقتصاد ملی و در اشتغال ملی از تناسب لازم در مقایسه با بخشهای دولتی و خصوصی بهره‌مند نیست. بدیهی است با سهم کمی که اقتصاد تعاونی در کل اقتصاد کشور دارد، تأثیر موزون آن بر مسایل اقتصاد کشور در حال حاضر بسیار محدود می‌باشد. در زیر به برخی از ویژگیها و مزایای نسبی بخش تعاون در مورد مسایل جاری اقتصاد کشور به اختصار اشاره می‌گردد.

۱- انسان محوری در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

بر اساس نظریاتی که محور توسعه را انسان می‌داند بخش تعاون تنها بخش اقتصادی است که در آن تصمیم‌گیرها مستقل از سهم سرمایه افراد بر محور ارزش انسان و مشارکتهای وی در امور اقتصادی و اجتماعی استوار است. رویکرد توسعه اقتصادی از طریق بسط اقتصاد تعاونی، هم، نظریه «سیمون کوزنتس» را که معتقد به «کاهش خودبه‌خودی نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی بعد از یک دوره رشد اقتصادی است» رد می‌کند و هم، نظریه

نفر از جمعیت کشور در پوشش تشکلهای تعاونی قرار گرفته است. در کشور ایران اولین شرکت تعاونی در سال ۱۳۱۴ در شهرستان گرمسار تشکیل شد. مشکلات ناشی از جنگ دوم جهانی، محدودیت ارزاق عمومی، گرانی کالاها و بازار ناسالم توزیع آنها، زمینه را برای تأسیس شرکتهای تعاونی مصرف به وجود آورد به طوری که در فاصله سالهای ۱۳۱۴ تا ۱۳۳۰ تعداد ۱۹ شرکت تعاونی مصرف و تا سال ۱۳۴۰ تعداد ۱۱۷۸ شرکت تعاونی در سراسر کشور تأسیس شد که ۴۶۰ هزار نفر از جمعیت کشور را در پوشش خود قرار داد. با تأسیس سازمان تعاون روستایی در سال ۱۳۴۲، تعداد شرکتهای تعاونی رو به افزایش گذاشت به طوری که در سال ۱۳۵۶ به ۵۹۵۴ کشور بالغ گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موضوع مشارکت مردم در فعالیتهای اقتصادی در قالب تشکلهای تعاونی مورد توجه قرار گرفت و در اصل ۴۴ قانون اساسی بخش تعاون دومین بخش رسمی اقتصاد کشور در کنار بخشهای دولتی و خصوصی به شمار آمد. با مورد اقبال قرار گرفتن شیوه مدیریت تعاونی تا سال ۱۳۷۰، تعداد ۲۱۱۴۵ شرکت تعاونی جدید و سپس با تصویب قانون تعاون و تأسیس وزارت تعاون تعداد شرکتهای تعاونی جدید به ۶۷۶۰۷ واحد افزایش یافت.

۲- تحقق قانون مداری و بسط جامعه مدنی از طریق توسعه بخش تعاون با توجه به این که مشارکت، خودگردانی، آموزش و کارورزی و همکاری بین اعضای تعاونیها از اصول تعاون است، از این روی توسعه بخش تعاون زمینه و بستر لازم را برای تحقق جامعه مدنی می‌تواند هموار سازد.

۳- توسعه مشارکتهای مردمی و داوطلبانه بودن فعالیتهای تعاونی

تاریخ تکوین نهضت تعاونی‌گویی آنست که داوطلبانه بودن فعالیتهای تعاونی و مشارکت اعضا یکی از رموز کامیابی جوامعی است که از شیوه اقتصاد تعاونی استفاده کرده‌اند. مشارکت جوانان، مردان، زنان، ایثارگران و در تشکلهای تعاونی، علاوه بر دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی ضامن توفیق‌مندی اهداف مورد نظر در جامعه اسلامی ماست.

۴- اصلاح ساختارهای تولید و توزیع از طریق گسترش فعالیتهای تعاونی

تجارب موجود نشان می‌دهد که کارایی کمتر بخش دولتی و خصلتهای سودجویانه بخش خصوصی، همواره ساختارهای تولید و توزیع کالاها و خدمات را در کشور تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد بخش تعاون با کارایی بیشتر و نگرش اجتماعی‌تر به

«نیکولاس کالدر» که معتقد است «تنها راه تأمین مالی رشد، تشویق و حمایت از سرمایه‌داران ثروتمند است چون اینان می‌توانند وجوه لازم را برای سرمایه‌گذاری فراهم کنند» کم‌اثر می‌سازد؛ زیرا تشویق و حمایت از سرمایه‌داران ثروتمند برای جلب سرمایه آنها راه مناسب رشد نیست و در مواقعی که سیاست‌گذاران مفتون کمیت رشد شده و به ساختار و کیفیت رشد توجه نمی‌کنند و دولتها اقدامات سیاست‌گذاری ویژه و تصحیحی به موقع انجام نمی‌دهند، امکان رشد اقتصادی سریع اما نامتعادل، یکطرفه، ناخالص، رشد بدون اشتغال، رشد ظالمانه و بدون عدالت اجتماعی که ثمره رشد را نصیب ثروتمندان می‌کند، رشدی که سبب نابودی فرهنگی می‌شود و سرانجام رشدی که با روند قدرت دادن به مردم و توسعه سیاسی همراه نیست و موجب نابودی منابع نسلهای آینده می‌شود وجود دارد. چنین رشد اقتصادی که نابرابریها را تداوم می‌بخشد به توسعه پایدار منجر نمی‌شود. اصول و ویژگیهایی که در اقتصاد و شیوه مدیریت تعاون وجود دارد با ایجاد امکان مشارکت بیشتر برای انسانها، زمینه‌های مساعدتری را برای توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌کند.

هستند تا سرمایه‌بر، و نیز به دلیل انگیزه مالکیت که در اعضای تعاونی وجود دارد، انتظار می‌رود که ارتقای بهره‌وری ملی از طریق بسط فعالیت‌های تعاونی بیشتر حاصل گردد.

۷- بسط عدالت اقتصادی و اجتماعی
ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی که ثمره ارزش‌های اضافی ایجاد شده از رهگذر فعالیت‌های اقتصادی یک جامعه در طول یکسال می‌باشد بین چهار عامل ایجاد کننده ارزش افزوده به شرح زیر تقسیم می‌گردد:

- جبران خدمات کارکنان که سهم نیروی کار از ارزش افزوده می‌باشد.
- مصرف سرمایه‌های ثابت که استهلاک نامگذاری شده و سهم سرمایه‌ها از ارزش افزوده می‌باشد.
- مالیات بر تولید و واردات (منهای یارانه) که سهم دولت از ارزش افزوده می‌باشد.

- مازاد عملیاتی (سود، بهره و ...) که سهم کارفرما و صاحبان سرمایه از ارزش افزوده می‌باشد.

در شرکت‌های تعاونی، با توجه به اصول و موازین تعاونی حاکم بر آن، هم سرمایه‌های مورد نیاز از تجمع سرمایه‌های اندک اعضای تعاونی حاصل می‌شود و هم این‌که معمولاً اعضای شرکت‌های تعاونی خود شاغل می‌باشند و در نتیجه اولاً سرمایه‌دار

موضوع کار و فعالیت بتواند تحولات لازم را در کسب سلامت نظام تولید و توزیع کالاها و خدمات و کنترل قیمت‌ها در جامعه معمول دارد.

۵- ایجاد اشتغال برای جمعیت فعال از طریق توسعه فعالیت‌های تعاونی
ایجاد اشتغال از جمله اهداف کلیه نظام‌های سیاسی و اداری کشورهاست. با توجه به این‌که بیش از ۴۰ درصد جمعیت کشور را جوانان کمتر از ۱۵ سال تشکیل می‌دهد و طبق برآوردهای اعلام شده سالانه حدود ۸۳۵ هزار فرصت شغلی جدید نیاز می‌باشد، جذب و به‌کارگیری این جمعیت بی‌شمار در فعالیت‌های مختلف اقتصادی از طریق بسط فعالیت‌های تعاونی، که در آن مشارکت و اشتغال اعضای تعاونی، یک اصل تلقی می‌شود، بیشتر محتمل و امکان‌پذیر می‌باشد.

۶- ارتقای بهره‌وری ملی و به خصوص بهره‌وری نیروی کار

آمارها و محاسبات موجود در زمینه شاخص‌های بهره‌وری نشان می‌دهد که متوسط شاخص بهره‌وری نیروی کار در دوران ۳۰ ساله ۷۴-۱۳۴۵ برابر ۳/۱+ درصد و متوسط شاخص بهره‌وری سرمایه طی همین مدت، برابر ۱/۲- درصد می‌باشد. با توجه به عامل مزبور و این‌که فعالیت‌های تعاونی بیشتر کاربر

دارد سهم عمده ارزش افزوده به صاحبان سرمایه‌های بزرگ تعلق گیرد، باعث می‌شود تا تأمین عدالت اقتصادی از طریق بسط عدالت اجتماعی از طریق توسعه بخش تعاون، بهتر، کاملتر و سریعتر حاصل شود.



تحلیل وضعیت اقتصادی کشور

براساس آخرین اطلاعات آماری موجود، متغیرها و شاخصهای اصلی اقتصاد کشور در سال ۱۳۷۶ به شرح زیر می‌باشد:

بزرگ در شرکتهای تعاونی کمتر یافت می‌شود و در ثانی به دلیل توزیع ارزش افزوده حاصل بین نیروی کار و صاحبان سرمایه‌های اندک، از تجمع و تکاثر سود بین تعداد معدودی سرمایه‌دار بزرگ، همان‌طور که در فعالیتهای بزرگ اقتصادی بخش خصوصی رایج و معمول است، جلوگیری می‌شود. عملکرد صحیح این ویژگی مهم، یعنی توزیع منافع و دست‌آوردهای اقتصادی بین گروه کثیری از نیروی کار و صاحبان سرمایه (اعضای تعاونیها)، در مقایسه با عملکرد بخش خصوصی که گرایش

شماره	توضیح	واحد	مبلغ
۱	رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت ۱۳۶۱	درصد	۲/۹
۲	رشد بخش کشاورزی	درصد	۱/۵
۳	رشد بخش صنعت	درصد	۸/۲
۴	رشد بخش ساختمان	درصد	-۶/۲
۵	رشد بخش آب، برق و گاز	درصد	۷/۷
۶	رشد بخش خدمات	درصد	۴/۷
۷	صادرات	میلیارد دلار	۱۵/۸
۸	واردات	میلیارد دلار	۱۲/۰
۹	صادرات غیرنفتی	میلیارد دلار	۲/۹
۱۰	رشد سالانه درآمدهای مالیاتی	درصد	۳۸/۱
۱۱	رشد سالانه درآمدهای عمومی دولت	درصد	۹/۲
۱۲	رشد سالانه پرداختهای دولت	درصد	۱۵/۸
۱۳	سهم نفت در درآمدهای عمومی	درصد	۵۷/۲
۱۴	رشد نقدینگی	درصد	۱۵/۲
۱۵	تورم	درصد	۱۷/۳

صادرات نفت، هنوز حدود ۶۰ درصد می‌باشد، از این‌رو درآمدهای نفتی از طرف دیگر، بودجه دولت و به‌خصوص بودجه عمرانی آن را تحت فشار قرار خواهد داد و تبعات آن متقابلاً بر رکود فعالیت‌های اقتصادی تأثیر خواهد بخشید. ساختار جمعیت کشور ایران و به‌خصوص جمعیت فعال آن جوان است به طوری که بیش از ۴۰ درصد جمعیت کل در گروه سستی کمتر از ۱۵ سال و بیش از ۶۰ درصد جمعیت کل در گروه سستی کمتر از ۲۵ سال قرار دارد. در شرایطی که نزدیک به ۲۰ میلیون نفر از جمعیت کشور در حال تحصیل هستند، ورود نسبی و تدریجی این دانش‌آموختگان به بازار کار، تعادل نسبی عرضه و تقاضای کار را بر هم می‌زند و در چنین شرایطی میزان بیکاری برای جوانان، زنان و افراد جویای کار افزایش می‌یابد.

میزان باسوادی جمعیت ۶ سال و بیشتر از شش سال کشور، در پرتو اقدامات سالهای گذشته به مقدار قابل توجهی افزایش یافته و به بیش از ۸۰ درصد رسیده است. افزایش این میزان، همراه با افزایش آگاهیهای مردم در سایه گسترش ارتباطات و فضای سیاسی کشور، تقاضای مردم به کالاها و خدمات بیشتر را باعث شده و از این طریق میل به افزایش تقاضای بالقوه را دامن زده است.

با چنین تصویر کمی از اوضاع و احوال اقتصادی کشور چند رویداد برون زوا و ساختاری نیز بر اقتصاد کشور مترتب شده است. از اواخر سال ۱۳۷۶ تا نیمه اول سال جاری شوک برون زوای کاهش قیمت‌های جهانی نفت باعث تقلیل ۳۵ تا ۴۰ درصد از درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت شده است؛ به طوری که پیش‌بینی می‌شود درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام در سال ۱۳۷۷ حدود ۱۰ میلیارد دلار باشد. تقلیل درآمدهای نفتی و در پی آن صادرات غیرنفتی باعث، کاهش واردات، کاهش تولید، افزایش بیکاری، افزایش تورم، تقلیل درآمدهای مالیات و رکود اقتصادی می‌شود چرا که ویژگی اقتصاد ایران، بروز رکود توأم با تورم است. تجارب و بررسیهای موجود نشان می‌دهد که افزایش درآمدهای نفتی، معمولاً در کوتاه‌مدت، موجب بهبود رشد اقتصادی، کاهش بیکاری، حتی کنترل تورم و متقابلاً افزایش درآمدهای نفتی همراه با رکود و تورم می‌باشد که رکود ناشی از توقف نسبی فعالیتها و کاهش بودجه، کاهش قدرت خرید مردم و تورم آن ناشی از افزایش هزینه‌های تولید، افزایش حجم نقدینگی، افزایش قیمت خدمات دولتی و یارانه شرکت‌های دولتی و می‌باشد. از آن جایی که میزان و وابستگی و اتکای بودجه دولت به درآمدهای حاصل از

نامتناسب است و سهم و نقش اصلی اقتصاد کشور را بخش دولتی با بیش از ۷۰ درصد سهام در اقتصاد ایفا می‌کند. مهمترین ویژگی بخش دولتی بهره‌وری پایین آنست به طوری که با هزینه زیاد از کارایی کمتری برخوردار است. این بخش با در اختیار داشتن ۲۳۰۰ هزار نفر نیروی انسانی، که حدود ۱۵ درصد آنان از تحصیلات عالی برخوردارند، از تحرک و کارایی لازم بهره‌مند نیست و برآورد کننده انتظارات و توقعات اهداف و برنامه‌های توسعه و مردم، به خصوص در زمینه مسایل فوق نمی‌باشد. از طرف دیگر بخش خصوصی، گرچه از بهره‌وری بیشتری، در مقایسه با بخش دولتی، برخوردار است. اما میل به کسب سود و مازاد عملیاتی بیشتر و توزیع آن بین صاحبان سرمایه، در فقدان یک نظام مالیاتی و نظارتی جامع و هدفمند، تمرکز بیش از حد ثروت و مواهب توسعه را نزد گروهی محدود به منزله یکی از ویژگیهای مهم این بخش مطرح می‌کند. بدیهی است که تولید بیشتر و با کیفیت بالاتر، ایجاد سود و ارزش افزوده و افزایش بهره‌وری، گرچه لازمه رشد اقتصاد در جهت تحقق توسعه اقتصادی است اما در عین حال عارضه نارسایی در توزیع درآمد او تضعیف عدالت اجتماعی را می‌تواند به ارمغان بیاورد و چون کنترل و نظارت بخش دولتی بر عملکرد و فرایند بخش خصوصی از

در چنین شرایطی از عدم تعادل نسبی عرضه و تقاضا و امکانات و نیازها، مسایل و مشکلات اصلی اقتصادی و اجتماعی کشور را به شرح زیر می‌توان فهرست کرد:

تولید، ارزش افزوده و بهره‌وری، اشتغال، تورم، نارسایی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، صادرات و توزیع درآمد و عدالت اجتماعی.

در یک طبقه‌بندی کلی، علل و عوامل بروز مشکلات در موضوعات پیش گفته را به دو گروه کلی خارجی و داخلی می‌توان تقسیم کرد. مسایل و مشکلات ناشی از سیاستها و تحولات اقتصادی و سیاسی جهان بر اقتصاد کشور خارج از موضوع بررسی این مقاله است، از این رو به عوامل و علل داخلی مشکلات اقتصادی کشور به اختصار بسیار، اشاره می‌گردد. گرچه عوامل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بسیاری، ریشه در مسایل اقتصادی جاری کشور دارند، با این حال ساختار و ترکیب فعلی اقتصاد کشور نقش بسیار قابل توجهی در وجود، حضور و ادامه مشکلات اقتصادی سابق‌الذکر دارد. با این که در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی برای اقتصاد کشور پیش‌بینی شده است با این حال سهم این بخشها، علیرغم گذشت ۲۰ سال از پیش‌بینی مزبور، هنوز بسیار

بایستی ما حداقل ده برابر وضع فعلی، رشد و گسترش و کیفیت برای مجموعه تعاونی کشور در نظر بگیریم. منظورم در یک برنامه بیست ساله نیست، بلکه اگر تلاش و همت کنید، در همین برنامه سومی که در آینده نزدیک در انتظارش هستیم، واقعاً شما می‌توانید این گونه برنامه‌ریزی کنید.»

۳- در طرح ساماندهی اقتصاد کشور که در مردادماه سال جاری ریاست محترم جمهور پیشنهاد کرده است، تقدم عدالت اجتماعی در کنار سیاستها و برنامه‌هایی توسعه اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.

۱۹

تحقیق جامعه‌مدنی از طریق توسعه بخش تعاون

گرچه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مشارکت مردم در فعالیتها و تعیین سرنوشت خویش به‌طور نسبی و در مقایسه با زمانهای قبل از انقلاب افزایش قابل توجهی یافته است اما باید اذعان کرد که مشارکتهای مزبور در بعد سیاسی و به‌صورت مقطعی در زمانهای خاص و مورد نیاز مانند زمان پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران، انتخابات و ... صورت گرفته و در ابعاد مشارکت اقتصادی توفیق زیادی نصیب جامعه نشده است. به

طریق اجرای قوانین مالیات، تأمین اجتماعی، بازرگانی خارجی و ...، حداقل در کشور ما، ضعیف و ناکارآمد است، در نتیجه توسعه بخش خصوصی به تنهایی هدف و آرمان دوم نظام توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را، که بسط عدالت اجتماعی است، معمولاً و به گواهی عملکرد سالهای گذشته و برخی جوامع دیگر تأمین نمی‌کند. به دلایل پیش‌گفته، برای مقابله با مسایل اقتصادی و اجتماعی کشور و ساماندهی اقتصاد، در چارچوب اصلاح و بهبود اساسی ساختار اقتصادی کشور همراه با کوچک‌تر و کارا تر شدن بخش دولتی و توسعه هدفمند و با نظارت بخش خصوصی، توسعه بخش تعاونی چونان رویکردی جدید برای تحقق توسعه اقتصادی همراه با بسط عدالت اجتماعی مطرح می‌شود. در باره ضرورت توسعه بخش تعاون در اقتصاد کشور، سه مشخصه مهم به شرح زیر خاطر نشان می‌شود:

۱- در اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش تعاون، دومین بخش اقتصاد کشور دانسته شده است.

۲- رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در بیانات مورخ ۷۷/۲/۲۱ فرموده‌اند «اساسی‌ترین، منطقی‌ترین و بنیادی‌ترین کارهایی که می‌تواند در این کشور برای استقرار عدالت انجام گیرد، تعاون است.

ویسپاری کالاهای خدماتی دیگر می‌پردازد و این در حالی است که طبق تعریف و طبقه‌بندی سازمان ملل متحد، کار و فعالیت اصلی دولت سیاستگذاری و نظارت و کنترل بر فعالیتهای جامعه می‌باشد.

واقعیت بالا در حال حاضر کمتر مورد تردید است و حتی دولتمردان نیز بر واقعیت مزبور وقوف کامل دارند و برای رفع یا تعدیل تمرکز بیش از حد بخش دولتی، هم در قالب تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ نسبت به تعیین تکلیف شرکتهای دولتی و هم در قالب تشکیل ستاد تحول نظام اداری کشور اقدامات مجدانه معمول می‌دارند. در چنین شرایطی نکته و سؤال مهم اینست که که کاهش تصدی‌گری بخش دولتی در فعالیتهای اقتصادی به چه شکلی صورت گیرد تا هم کارایی و بهره‌وری بخش دولتی افزایش یابد و هم دامنه مشارکتهای اقتصادی مردم در فعالیتهای در سرنوشت اقتصادی خویش، که یکی از ارکان ویژگیهای تحقق جامعه‌مدنی است، جامعه عمل پیوشد. بدیهی است در شرایط کوچک شدن بخش دولتی، سهم بخشهای تعاونی و خصوصی افزایش می‌یابد و باید بررسی شود که هم ترکیب بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی و هم سهم بخشهای تعاونی و خصوصی در کل اقتصاد به چه ترتیب باشد تا اهداف و برنامه‌های نظام

عبارت روشنتر بهتر است عنوان شود که در این مورد زمینه و بستر مناسب برای ایجاد انگیزش و میل در مردم برای مشارکت اقتصادی در فعالیتهای کمتر حاصل شده است و اگر نه مردم برای مشارکت در سرنوشت اقتصادی خود، همانند مشارکتهای سیاسی، از آمادگی بالقوه لازم برخوردار می‌باشند. وجود مشکلات اقتصادی متعدد و از جمله وجود نقدینگی همراه با کسر بودجه در حال حاضر و ترکیب و ساختار ناهمگون و نامتناسب بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی در مجموع اقتصاد ملی، علیرغم مفاد اصل ۴۴ قانون اساسی، مصداق و نشانه دیگری بر مشارکت کمتر مردم در فعالیتهای اقتصادی میباشد. بخش دولتی با در اختیار داشتن حدود ۷۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور و بیش از ۲۳۰۰ هزار نفر شاغل از تحرک و کارایی لازم بهره‌مند نیست و به همین دلیل چرخهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور با روانی و سرعت لازم نمی‌چرخد. دولت به مفهوم وسیع خود، به جای واگذاری کارها و فعالیتهایی که با تعریف و قلمرو فعالیت دولت در تناسب نمی‌باشد به بخشهای تعاونی و خصوصی، خود راساً به کارهای کشاورزی، صنعتی، تولید آب، برق و گاز، ساختمان‌سازی، حمل و نقل، خرید و فروش کالا، خدمات درمانگاهی و بیمارستانی خدمات آموزشی

عضویت شرکتها در اتحادیه‌های تعاونی منطقه‌ای، سراسری و ملی، نظارت و کنترل بر صحت عملکردها و سازوکارهای اقتصادی و مالی به نحو بهتری در مقایسه با شرکتهای خصوصی صورت می‌گیرد و از این روی سلامت اقتصادی بیشتری را می‌توان انتظار داشت.

۶- در شرکتهای تعاونی و در اتحادیه‌های تعاونی، سود حاصل از فعالیتهای سالانه آنها به چند منبع اختصاص می‌یابد. بخشی از سود حاصل به نسبت میزان فعالیتهای اعضای شرکت (مثلاً خرید آنها از تعاونی) و بین اعضای واجد شرایط توزیع می‌شود بخش دیگری برای ذخایر و توسعه فعالیتهای تعاونی و به منزله سرمایه‌گذاری اختصاص می‌یابد و باقیمانده آن به نسبت سهام توزیع می‌گردد. در مورد شرکتهای خصوصی معمولاً سود حاصل از عملکرد شرکتها به نسبت سهام و سرمایه بین صاحبان سرمایه توزیع می‌شود.

گرچه کلیه نکات بالا، در توسعه بخشهای تعاونی و خصوصی از اهمیت برخوردارند اما نکته آخری یعنی چگونگی توزیع سود سالانه در شرکتهای تعاونی و خصوصی یک امتیاز بسیار بزرگ برای بخش تعاونی محسوب می‌شود. همان‌طور که در لابه‌لای بخش دوم گفتار حاضر نیز

اسلامی و تحقق جامعه مدنی بهتر، سریعتر و به‌طور سازگار حاصل شود. گسترش و توسعه فعالیتهای اقتصادی در قالب تشکلهای تعاونی، در مقایسه با توسعه بخش خصوصی، از مزایا و امتیازاتی برخوردار است که از جمله مهمترین آنها می‌تواند به موارد زیر اشاره کرد:

۱- گسرد آمدن پس‌اندازها و سرمایه‌های کوچک افراد کم درآمد در قالب شرکت تعاونی برای تحقق یک هدف مشترک مانند تأمین مسکن، تأمین وام و اعتبار، فروش و توزیع کالاها و خدمات و ...

۲- مشارکت اعضا در اداره امور شرکت تعاونی به صورت انتخاب در هیأت مدیره و بازرسان و یا شرکت در مجامع عمومی.

۳- در شرکتهای تعاونی اشتغال و فعالیت اعضا در قالب تشکل تعاونی مورد تأکید قرار گرفته و در نتیجه مشارکت اقتصادی در انجام دادن فعالیتها هم به صورت مالی و هم به صورت همکاری در امور، شکل می‌گیرد.

۴- در شرکتهای تعاونی امکان آموزش و کارورزی و نیز اطلاع‌رسانی به اعضا، یک اصل تعاونی به شمار می‌رود و از این رو توسعه منابع انسانی در قالب شرکتهای تعاونی بهتر حاصل می‌شود.

۵- در شرکتهای تعاونی به دلیل

تولید، اعتبار و ... مشارکت اقتصادی می‌کنند به دلایل حضور مستمر در اداره شرکت، در هیأت مدیره و در گردهماییها و اتحادیه‌های تعاونی، به روشهای مختلف، با وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه و با قوانین و مقررات حاکم بر جامعه و لزوم رعایت آنها، با ارتباطات داخلی و بین‌المللی، با نقاط قوت و ضعف عملکرد دولت و سایر نهادهای اجتماعی و ... آشنایی عملی و کاربردی حاصل می‌کنند که حاصل نهائی آنها افزایش و ارتقای آگاهیهای سیاسی و اجتماعی و ... بینش عمومی آنها برای ورود به شرایط جامعه مدنی است. کارورزی، تمرین و ممارست و استمرار در شرکت در سرنوشت اقتصادی خویش و مشارکت جمعی و فعال در مباحث مجامع عمومی و هیأت مدیره شرکتهای تعاونی و الزام به تصمیم‌گیری در مورد موضوعات مطرح و الزام به آموزش مطالب و موضوعات اقتصادی و اجتماعی برای اداره توفیق‌آمیز شرکتهای و سرانجام تلاش برای تولید کالاها و خدمات بهتر و رقابت با بخش خصوصی و تولیدات خارجی از جمله موضوعاتی است که در نهایت برای ارتقای آگاهیها و دانش عمومی و تخصصی از شرایط کشور و جهان و تلاش برای همزیستی مسالمت‌آمیز در چارچوب موازین توسعه پایدار برای همگان الزامی است.

اشاره شد، ویژگی مزبور باعث می‌شود، که در کلان موضوع و در سطح ملی رکن بسیار مهم و رکن عدالت اقتصادی به نحو بهتری حاصل گردد. به عبارت روشنتر، رشد و توسعه بخش خصوصی اگرچه رشد و توسعه اقتصادی کشور را به همراه دارد اما بافت و ساختار سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی و نحوه توزیع سود حاصل به نسبت سرمایه در کنار عامل عملکرد ناقص ناظمهای مالیاتی و تأمین اجتماعی و نظارت ناکارآمد دولت بر عملکرد بخش خصوصی، در مجموع، باعث می‌شود که توزیع بهینه درآمد و ثروت، که یکی از ارکان مهم تحقق جامعه مدنی است، از وضعیت مطلوب بهره‌مند نشود. حال آن‌که در بخش تعاونی اصول و موازین حاکم بر فعالیتهای اقتصادی این بخش و چگونگی توزیع سود در آن، عامل کنترل و ضمانتی برای تحقق نسبی عدالت اقتصادی است.

اگر تحقق نسبی عدالت اقتصادی را از طریق توسعه تشکلهای تعاونی اولین قدم و وجه امتیاز بخش تعاون برای حرکت بسوی جامعه مدنی در نظر بگیریم، قدم مهم بعدی را باید در توسعه منابع انسانی و توسعه سیاسی مردم و جامعه از طریق توسعه بخش تعاونی دانست. به عبارت روشنتر وقتی عام مردم در ایجاد و اداره امور تعاونیهای مختلف مسکن، مصرف،

اسلامی، دولت و مردم قرار گیرد.
۳- توسعه بخش تعاون، مشارکت اقتصادی مردم را با تجهیز سرمایه‌های اندک آنها به همراه خواهد داشت.

۴- توسعه بخش تعاون می‌تواند «رشد و توسعه اقتصادی همراه با بسط عدالت اجتماعی» را استحکام بخشد.

۵- توسعه بخش تعاون ترکیب بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی را متناسب ساخته و باعث تسریع و تسهیل توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌شود.

۶- توسعه بخش تعاون می‌تواند زمینه‌های مشارکت اقتصادی و اجتماعی مردم را در سرنوشت خویش نهادینه کرده و منجر به توسعه منابع انسانی در کشور گردد.

۷- توسعه منابع انسانی و مشارکت هدفمند و آگاهانه مردم در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی شور، زمینه و بستر لازم را برای ورود به عصر جامعه مدنی و حضور موفق و مستمر در آن پدید می‌آورد.

توسعه راستین و توفیق‌آمیز بخش تعاون در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در کشورهایی مانند سوئد، فرانسه، سویس، آلمان، هندوستان و چین یکی از رموز پنهان توسعه پایدار این کشورها محسوب می‌شود. توسعه صحیح و اصولی بخش تعاون در کنار تشکیل شوراهای مختلف شهر و روستا، مشارکت اقتصادی و سیاسی مردم را در تعیین سرنوشت خویش و کاهش توقعات آنها از دولت را به تدریج نهادینه کرده و مفهوم زیبای مشارکت اقتصادی و سیاسی را از حالت شعار به واقعیت تبدیل می‌نمایند.

در جمع‌بندی نهایی برای حرکت هدفمند و تدریجی به سوی جامعه مدنی و در زمینه موضوع افزایش مشارکتهای مردمی از طریق تشکلهای تعاونی نکات زیر خاطر نشان می‌گردد:

- ۱- از حجم فعالیتها و وظایف و قلمرو بخش دولتی کاسته شود.
- ۲- توسعه اصولی و راستین بخش تعاون مورد توجه مجلس شورای